

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	با عدل علی چگونه اید؟
۶	انتخاب قاضی
۸	انتخاب کارگزاران و حکام

مقدمه

تاریخ یا علم گذشته نگری و استفاده از تجربیات و مطالعات و دستورات بزرگان چشمه‌ایست جوشنده که هیچگاه خشکی و سستی و فتوری در آن راه نیابد و بشر از این راه موفق به کسب معلومات و به دست آوردن علوم مختلف گردیده زیرا تنها علمی که درباره گذشتگان و آثار آنان بحث نموده علم تاریخ است، البته با توجه به اینکه هر وقت تاریخ در ادبیات یا علوم یا سیاست یا مسلک و طریقت یا دین و مذهب یا سرگذشت و زندگی افراد مختلف مطلبی را مورد طرح و بررسی قرار میدهد نتیجه‌اش درباره همان موضوع مطرح شده قابل توجه و دقت می باشد. یکی از بزرگان جهان که نامش برای همیشه در تاریخ ادیان و علوم و فنون ادب و سیاست (روش مملکت داری) باقی خواهند بود و نظیرش در خودش باید جستجو شود علی بن ابیطالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف است. علی تنها فردی است در جهان، که در خانه خدا به دنیا آمد و در خانه خدا رخت از این جهان بر بست و بجنان جاودانی شتافت. وجود علی تنها برای اسلام مفید نیست بلکه برای تمام جهان و جهانیان از هر نژاد و رنگی که باشند گنجی گرانمایه و دولتی پاینده است.

با عدل علی چگونه اید؟

این خطابه را امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب در روزهای اول خلافت خود در مسجد پیغمبر در مدینه در حضور صدها هزارتن از سرداران سپاه اسلام و مردان عرب و عده بیشماری از مردم مدینه در حالیکه به شمشیر خویش تکیه داده بودند ایراد نمودند.

من از گذشته بسیار دور وضع کنونی را مانند امروز می دیدم و شاهد امواج فتنه و آشوب که از کرانه های دور دست به سوی ما پیش می آمد بودم. آری یقین داشتم که امروز و فردا بحرانی شدید و غیر قابل مهار که انقلابش می نامند آغاز خواهد شد.

خدای بزرگ و قادر و توانا و وجدان پا کم گواه بر صدق گفتارم میباشد. افرادی که از گذشته و سرنوشت دیگران پند می آموزند و عبرت می گیرند در زندگی دچار انحراف و اشتباهی نخواهند شد. بطوریکه همگی شاهد و ناظرید، روزگار مسلمین سخت پریشان و آشفته گردیده و شیرازه کشور مسلمین از هر سوی با وضعی بسیار ناگوار در حال گسیختگی و فرو ریختن است و این حالت درست شبیه زمان جاهلیت و قبل از اسلام می باشد، و حیات ملی و مذهبی مسلمین در خطر انهدام و نابودی قرار گرفته و آنکه پیش از من بر کشور بزرگ اسلام حکومت می کرد کلیه قوانین مقدس و مترقی اسلامی را نادیده گرفت و دست تعدی و تجاوز تا دورترین نقاط کشور دراز نمود و نتیجه عملش آن است که امروز بر اثر انقلاب در کاخ رفیع سلطنت و استبداد، در تنگنای

تاریک و بی مونس و همدم گور قرار گرفته است. افسوس که با وجود سقوط آن پیرمرد، شراره بدعتهایی را که واضعش بوده در گوشه و کنار کشور و اجتماعات مسلمین میتوان دید و مشاهده نمود که عده ای با استفاده از همان بدعتها در نقاط مختلف به شرارت و فتنه انگیزی و نفاق اشتغال دارند.

به خدای قادر و توانا قسم چنان نقشه حدود و حقوق الهی را با هندسه عدل و داد پیاده کنم که دیناری از حق بینوایان به گردن اشراف بنی امیه یعنی آنانی که از فدائی نمودن پیشوای خودشان در راه رسیدن با اهداف نامبار کشان مضایفه نمودند باقی نماند.

باز هم برای تأکید و اطمینان خاطرتان می گویم به آنچه مقدس است قسم، کلیه ثروت این مردم را که از بیت المال خارج شده و لوبکابین زنان رفته باشد و یا قباله ملکی بدانوسیله تنظیم گردیده باشد با نیروی عدالت باز خواهم گرفت، و اسناد و مدارکی که با توسل به نیروی ظلم و تعدی تنظیم گردیده از نظر من و خدای من هیچ رسمیتی ندارد و از درجه اعتبار ساقط است.

ای مردم شما که از عدل و داد اینگونه فریاد و فغان می کنید، آنچه روشن است از ظلم و تعدی بیشتر رنج خواهید برد. پس باید و بجا است که از شما سؤال کنم با عدل چگونه اید؟

اگر نوشیدن جرعه ای از شربت عدل و داد با تمام حلاوت و شیرینیش این چنین در
ذائقه شما زننده و نامطبوع و ناگوارا باشد پس با طعم زننده و نامطبوع و تلخ زهر ظلم و
ستم وضع شما چگونه خواهد بود.

ای بندگان خدای از خدای خود بترسید و در طریق پاکی و پاکدامنی و پرهیزکاری بسر
برید و بدانید که ستمکاران در روز رستاخیر با حضور در محکمه عدل الهی مورد
بازخواست قرار خواهند گرفت و در آن دادگاه دقیق و موشکاف از پر کاهی صرفنظر
نخواهد شد. با این توضیحات از هم اکنون بدانید و آگاه باشید از دولتی که من عهده دار
آن هستم جز عدل و داد انتظار دیگری نداشته باشید.

انتخاب قاضی

ای مالک، آگاه باش که از امور بسیار مهم و قابل دقت و توجه امر قضاوت است و برای این مهم و تکیه بر مسند قضاوت کسی را باید انتخاب کنی که در نظر تو بهترین مردم باشد، و داوری و رسیدگی به کارهای مردم و صدور رأی برای او مشکل نباشد، و از افرادی باشد که طرفین دعوا نتوانند او را در تنگنا قرار دهند و نظر خود را بر او تحمیل نمایند، و مسلط به احکام الهی و خوش حافظه باشد که در حل و فصل امری دچار لغزش نشود، و آنقدر شهامت داشته باشد که اگر حکمی بنا حق صادر نمود و بعد باشتباه خویش پی برد از بازگشت به راه صواب و صدور حکم به حق خودداری ننماید. فردی طماع و پول پرست نباشد، و بدون دلیل کافی و رسیدن به کنه مطلب با اطلاعی سطحی و جزئی رأیی صادر ننماید. و در امور مشکوک و مشتبه تأمل نماید تا با تفکر به براهین و ادله کافی دست یابد، و هنگام مراجعه دادخواه بد و ناراحت و دلتنگ نباشد. هنگام صدور حکم و روشن نمودن حق مطلب، از همه دلیرتر و برنده تر و قاطع تر باشد و در نشان دادن حقایق امور از همه کس صبورتر و شکیباتر باشد.

ای پسر حارث کسی را برای قضاوت انتخاب کن که تحت تأثیر تعریف و تمجید بیجا دچار غرور و نخوت نگردد، و تملق و چاپلوسی او را از راه راست و درست و حق

منحرف ننماید و افراد نادرست موفق به فریب وی نشوند و به نادرستی و پیمودن راه باطل وادارش نکنند.

ای مالک، آگاه باش پس از انتخاب چنین افراد شایسته ای به امر قضا بایستی خودت مرتب به نحوه کار و قضاوت آنان رسیدگی نمایی و از نظر مالی آنانرا مرفه و آسوده نگهداری، و زندگانشان در حدی باشد که از راه عذری برای آنان باقی نماند، و با احسان و بخششی که تو بدانان مینمایی دیگر نیازی به مردم نداشته باشند، و ایشانرا چنان به خودت نزدیک کن و نسبت به آنان احترام و موقعیتی خاص قائل باش تا کسی از نزدیکانت در صدد ربودن و جلب نظر آنان برنیاید، و از فکر و خیال و ناراحتی اینکه مبدا یکی از مردم موفق شود ایشانرا فریب دهد و نظرشان را به خود معطوف نماید در امان بمانی.

این مطالبی که در که درباره گزینش و نحوه رفتار قاضی گفتم به کار بند و دقت کافی به عمل آور تا چون گذشته دین ما به دست عده ای افراد پست فطرت و دنیاطلب و اشرار به ظاهر آراسته نیفتد، که در شرح مطابق میل و هوی و هوس خویش قضاوت می نمودند و دین را وسیله جلب و رسیدن به امیال و آرزوهای دنیایی می نمودند.

انتخاب کارگزاران و حکام

ای مالک، پس از دستوراتی که درباره نحوه گزینش افسران و قضات به تو دادم اکنون درباب انتخاب عمال و کارگزاران آنچه لازم می دانم برایت بازگو می نمایم.

ای مالک، در انتخاب کارگزاران، خوب بیندیش و پس از آنکه آنان را مورد آزمایش قرار دادی و از بوته آزمایش سرفراز بیرون آمدند به کار منصوب نما. مبدا حکام را به خاطر دوستی و صمیمیت با تصمیمی خودسرانه انتخاب کنی که این دو کار پایه و مایه ظلم و جور و خیانت را فراهم می آورند.

فرمانداران بایستی از خاندانی خوش نام و صاحب سابقه درخشان و دارای شرم و حیا و عرض و آبرو و نجابت و شرف ذاتی و آزمایش شده باشند. چنین افرادی در انجام امور و مدیریت دارای اندیشه ای قاطع تر و رساتر می باشند. حکام را از نظر امل مستغنی و در رفاه و آسایش نگاه دار که این امر آنانرا در اصلاح خویش تقویت و توانا می نماید، و چشم طمع به ثروت و مال زیردستان خود نخواهند داشت.

اگر از دستورات تخلف ورزیدند و خیانت در امانت نمودند دیگر عذر و بهانه ای ندارند. برای آنان بازرسانی دقیق و راستگو و امین بگمار چون وجود بازرسان و توجه آنان به دقت تو در امورشان سبب امانت داری و محبت و لطف و انصاف حکام نسبت برعیت می گردد.

ای مالک، از دوستان و یاران خائن و خیانت پیشه پرهیز و خود را از این قبیل افراد محفوظ و دور نگهدار. اگر بازرسانت که مردمی صادق و درست کردار و صحیح العلمند و از هر نظر مورد اعتماد تو می باشند گزارش دادند که یکی از کارگزارانت دستش به خیانت و نادرستی آلوده شده به همان خبر قناعت کن و اکتفا نما، و خاطی را به سزای اعمالش برسان و ابتدا آنچه در مدت حکومتش گردآورده از او بازستان و او را در نهایت خفت و خواری از خویش بران، و داغ ننگ و بدنامی بر پیشانیش بزن، و قلاده ننگ و تهمت را بر گردنیش بیفکن تا درسی عملی به دیگران داده باشی، و رفتارت عبرت آموز سایر کارگزارانت گردد.

به خدا سوگند که این کفش بی مقدار نزد من برتر و عزیزتر از حکومت برشماست هنگامی که علی بن ابیطالب برای جنگ با ناکثین (جملی ها) به سوی بصره در حرکت بود در نیمه راه بصره و کوفه در محلی که نامش ذی قار بود توقف نمود و اردو زد. عبدالله بن عباس می گوید برای ملاقات با علی بن ابیطالب وارد خیمه وی شدم مشاهده نمودم که علی مرتضی مشغول ترمیم و وصله زدن کفش خویش است. چون توجه حضرتش به من جلب شد فرمود که یابن عباس این لنگه کفش را درست نگاه کن و قیمت آنرا معین نما.

ابن عباس می گوید چون کفش را نگریستم دیدم آنقدر فرسوده و مندرس و از بین رفته است که دیگر ارزشی ندارد. گفتم یا علی این کفش ارزشی ندارد و از بین رفته و دیگر دوام و بقایی ندارد.

علی بن ابیطالب سر را بلند کرد و فرمود :

ای ابن عباس بدان به خدا سوگند که این کفش مندرس و کهنه و بی ارزش در نزد من محبوبتر از حکومت بر شما مردم است. من حکومت را به خاطر عشق و علاقه به دان و حب جاه و مقام نپذیرفتم، بلکه انگیزه پذیرش حکومت و رهبری مسلمین در من احقاق حقی و برانداختن باطلی بود، تا بدینوسیله یار ستمدیدگان و دشمن جباران و ستمکاران باشم.

آنگاه علی بن ابیطالب از چادر خویش خارج شد و خطاب به سربازان جانبازش خطبه ای بسیار روشن و بلیغ ایراد فرمود.

ای مردم خداوند متعال محمدبن عبدالله (ص) را از میان قوم عرب که مردی دانشمند و اهل مطالعه نبودند و دعوی نبوت و پیامبری نداشتند به نبوت مبعوث نمود.

تا این برگزیده خالق متعال مردم را به شاهراه هدایت و کوی سعادت رهبری کند. این سفیر الهی که خداوند یکتا او را به خلعت نبوت مفتخر نموده بود به نیکوترین و جهی مأموریتش را انجام داد، تا سنگ لغزنده و لرزان و بی قرار کاخ خوشبختی آنان محکم و

ثابت و استوار گردید و نیزه های آنان افراشته شد. آگاه باشید، به خدایی که خالق و معبود من است قسم که من در آنوقت دشمنان را به شدت در هم می کوییدم و آنان را مجبور به عقب نشینی می نمودم تا سرانجام عده کثیری به اسلام گرویدند و عده ای که خود را در معرض نابودی دیدند. روی به فرار نهادند، من در انجام مأموریتهای کوچکترین سستی و غفلی روا نداشتم و آنچه بر عهده ام بود در کمال قدرت انجام دادم.

بدانید امروز هم که تصمیم به جنگ با مردم بصره دارم با همان اراده آهنین طلوع نبردهایم که در رکاب پیامبر اکرم به این امر الهی اقدام و عمل می نمودم، این نبرد را آغاز خواهم کرد و به خدای آفریننده جهان سوگند که در این نبرد آنقدر استقامت و پافشاری خواهم کرد تا حق را از باطل جدا سازم. و ظلمت و تیرگی را که سبب مستورماندن حق از دیدگاه جهانیان گردیده با درخشندگی عمل، به حقی که انجام میدهم برطرف نمایم و حق را در منظر و دیدگاه جهانیان قرار دهم.

خداوندا، چگونه سراسر عمرم با قریش سر و کار پیدا کرده ام و درگیر شده ام. هنگامیکه آنان در منتهای کفر و ضلالت و جهالت به سر می بردند و عاصی و طاغی بودند در جنگی سخت و سرنوشت ساز با آنان روبرو شدم، و امروز هم که به خاطر جاه و مقام گرفتار فتنه و آشوب شده اند و از شاهراه سعادت و حقیقت به دور افتاده اند با همان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

سرسختی با آنان خواهم جنگید. همانطوریکه دیروز در رکاب پیغمبر در نبرد با آنان
مقاوم و انعطاف ناپذیر بودم، امروز هم در نهایت استقامت و مردانگی در مقابل این قوم
ره گم کرده خواهم ایستا، تا آنان را از ورطه هلاکت نجات بخشم و به شاهره سعادت
رهمنوشان باشم.